معمای سلطان

گام چهارم



پس از ناکامی ایران در مسیر صعود به جام جهانی ۱۹۹۰ و با تغییر دولت و ریاست سازمان تربیت بدنی، علی پروین سکاندار تیم ملی فوتبال شد.

او طلای بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن را آورد اما بلافاصله بعد از آن هشدار معروفش را داد که: «رقبا بنز می‌روند و ما با موتورگازی!»

دو سال بعد در جام ملتهای ۱۹۹۲ ایران با پروین در همان دور مقدماتی حذف شد تا زنگ خطر برای سلطان به صدا درآید. حالا او باید ایران را به جام جهانی ۱۹۹۴ امریکا می‌رساند.

۲۶ کشور ثبت‌نام کننده در آسیا به ۶ گروه تقسیم و در مسابقات متمرکز رفت و برگشتی، تیم برتر هر گروه صعود می‌کرد تا در دور نهایی در کشور بی‌طرف، دو نماینده قاره بلیت صعود بگیرند.

آخرین مأموریت سلطان

ایران در گروه دوم مقدماتی و در منطقه غرب قاره با سوریه، عمان و تایوان همگروه شد. علی پروین و دستیارانش، یعنی امیر حاج‌رضایی، ناصر ابراهیمی، محمد مایلی‌کهن و پرویز کماسی ۲۴ بازیکن را به AFC برای مسابقات متمرکز در ایران و سوریه معرفی کردند و با ورود سه تیم میهمان به تهران مرحله رفت مسابقات از دوم تیر ۱۳۷۲ کلید خورد.

عابدزاده، غلامپور، زرینچه، نادر محمدخانی، خاکپور، رضایی‌منش، کریم باقری، گل‌محمدی، ورمزیار، نوآموز، استیلی، درخشان، مهدی فنونی‌زاده، مدیر روستا، مرفاوی، گروسی، نامجومطلق، منافی، ابطحی و علی دایی ۲۰ بازیکن منتخب ایران بودند و پیروانی، دین‌محمدی، قویدل و فلاحت‌زاده خط خوردند.

تولد شهریار

ایران در نخستین بازی پذیرای عمان بود. تیمی که حشمت مهاجرانی ساخته بود و البته خود به خاطر مشکلاتی نتوانست به تهران بیاید.

پروین در مقابل استادش آچمز شد و روش نوین ۲-۵-۳ جواب نداد. در ۲۰ دقیقه آخر جوانی گمنام و خوش قد و بالا در اولین بازی رسمی ملی در ۲۴ سالگی -یعنی همان سنی که علی پروین اولین بازی ملی‌اش را انجام داد- وارد میدان شد و با ضربه سری که به دیرک دروازه زد میخ خود را در تیم ملی و تاریخ فوتبال ایران کوبید.

از آن پس برای ۱۳ سال دیگر کسی نتوانست علی دایی را از تیم ملی کنار بگذارد و شهریار هر سه رکورد بازی ملی، کاپیتانی و گلزنی را از علی پروین گرفت و به‌نام خود سند زد.

پشتی که شکست

در آن روزگار بهزاد غلامپور با داشتن رقیبی چون احمدرضا عابدزاده آنقدر از نظر فنی رشد کرده بود که پروین به اجبار آن دو را یک در میان بازی می‌داد، درست مثل پرسپولیس!

اما در دیدار دوم و بازگشت ایران به روش آشنا ۲-۴-۴ برای بازیکنان، پیروزی ۶ گله برابر تایوان خاطره‌ای تلخ شد. پای عابدزاده در چاله ورزشگاه آزادی شکست و درواقع بهزاد غلامپور هم از دست رفت، او بدون داشتن رقیب چنان افت کرد که سه ماه بعد دلیل اصلی ناکامی ایران در دور نهایی مسابقات لقب گرفت.

تسویه درخشان!

ایران از میزبانی سه بازی نخست یک برد و دو تساوی به دست آورد، یعنی در دور برگشت که از ۱۱ تیر در دمشق آغاز می‌شد باید همه را می‌برد. اینجا بود که حمید درخشان ۳۴ ساله -که پروین او را برای بازی‌های آسیایی پکن خط زده بود- به داد سلطان رسید و با بازوبند کاپیتانی و گلهای سرنوشت‌ساز به عمان و سوریه ایران را به دور نهایی برد. تسویه‌ای درخشان با سلطان! آن هم در مسابقه‌ای که با اخراج خاکپور ایران برابر میزبان کل نیمه دوم ۱۰ نفره بود.



خداحافظی با فوتبال

از ۱۵ تیر ۷۲ که صعود کردیم تا ۲۴ مهر، ایران تنها یک بازی تدارکاتی رسمی داشت و با بدترین شرایط ممکن به قطر رفت تا با کره جنوبی، ژاپن، عربستان، عراق و کره شمالی در مرحله نهایی برای کسب بلیت جام جهانی مبارزه کند.

نفراتی چون دلیخون، ترابپور، حسن‌زاده، قلعه‌نویی، داداش‌زاده، پرورش‌خواه، تهامی و اختر به لیست ۲۵ نفره تیم ملی اضافه و در مقابل خبری از گل‌محمدی، عابدزاده، ورمزیار و گروسی نبود.

ایران مسابقات نهایی را با شکست سنگین سه بر صفر برابر کره جنوبی آغاز کرد. از بعد همین بازی تعادل عصبی پروین چنان به هم ریخت که دیگر با دستیارانش هم کاری نداشت!

پیروزی برابر ژاپن امیدها را تا حدودی زنده کرد اما شکست ۲-۱ مقابل عراق و برتری ۲-۱ مقابل کره شمالی دوباره امیدوارمان کرد اما روز آخر شکست ۴-۳ برابر عربستان سعودی تیر خلاصی بود برای رویاهای صعود ایران.

حاشیه‌های این تورنمنت و برخی اخبار که هنوز هم به‌صورت معما باقی مانده به گونه‌ای بود که علی پروین نه فقط از تیم ملی بلکه از پرسپولیس هم رفت و برای مدت ۵ سال خانه‌نشین و به روایتی ممنوع‌الورود به فوتبال شد.



برانکو ایوانکوویچ
سرمربی تیم ملی ۲۰۰۶



یحیی گل‌محمدی
بازیکن تیم ملی ۲۰۰۶



مهرزاد معدنچی
بازیکن تیم ملی ۲۰۰۶